

تأثیر زمان و مکان در قوانین

مقاله ای که تحت عنوان بالا در این شماره و چند شماره دیگر انتشار خواهد یافت. ترجمه بخشی از کتاب: اصول شرایع جریمی بنتام فیلسوف و دانشمند انگلیسی است که از سال ۱۷۴۸ تا ۱۸۳۲ زیسته و در اوایل سده نوزدهم در سیاست انگلستان وجودی مؤثر بوده و طریقه خاصی درعالم اخلاق و قوانین بنیان گذارده است.

کتاب اصول شرایع یکی از بهترین کتبی است که در مبانی و اصول حقوقی نگارش یافته و مانند کتاب «روح القوانين» منتسکیو و «قرارداد اجتماعی» روسو کم نظیر میباشد و مباحث آن همه با ارزش و قابل مطالعه و استفاده است.

انتخاب این بخش از میان بخشهای گوناگون آن از این نظر بود که چون کشور ما در حیات قانونگزاری جوان و مراحل ابتدائی را میپیماید و از قوانین کشورهای دیگر استفاده نموده و خواهد نمود لهذا این موضوع را قابل توجه و مفیدتر از موضوعات دیگر پنداشته و ترجمه آن پرداخته ام باشد که برای دانشمندان تذکری و جهت دانشجویان راهنمایی واقع شود:

قسمت اول - تأثیر مکان در قوانین

مقدمه - پس از بیان طریقه وضع قوانین بالنسبه کامل مدنی و جزائی. اکنون لازم است بیان کنیم که چگونه میتوان آن قوانین را برای ملت معینی، در زمان مخصوصی استعمال و اجرا نماییم.

گمان میکنم، کسانی که تا این بخش از کتاب را مطالعه کرده اند، این پرسش را از من بنمایند:

«ممکن نیست که تو علاوه بر ایجاد بهترین راه برای وضع قوانین و بیان کامل ترین قوانین، کشور معینی را بدر نظر گرفتن مردم آن کشور و تعداد سکنه آن و فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم، وضع اقتصادی و عقاید و جهات مخصوص دیگر آن مورد توجه قرار نداده باشی و تصور می رود کشوری که مورد توجه تو قرار گرفته و فکر تو را باین امر مهم سیاسی مشغول نموده روی میل طبیعی از روحیه اهالی و آداب و رسوم آنها و سوابق دیگر زندگی، کشوری باشد که در آن تولد یافته و نشو و نما کرده ای

بنابراین و در اینصورت آیا بهترین قوانین و بهترین راهی که برای وضع قوانین در کشور خود در نظر گرفته و پیشنهاد نموده ای برای کشورهای دیگر هم مفید خواهند بود؟

تأثیر زمان و مکان در قوانین

آیا این قوانین در کشور دیگری که از حیث محیط و اخلاق، عادات و معتقدات قوانین و وضع اقتصادی و غیره با کشور تو اختلاف دارد، مورد استفاده واقع خواهند شد؟

آیا میتوان تأثیر این عوامل مهم را در قوانین ملل انکار نمود؟

بفرض اینکه قوانین هر دو کشور بدرجه کمال ممکن رسیده باشد، آیا میتوان این اختلافات و عوامل و جهات اختلاف و توافق بین دو قانون را ندیده گرفت؟

من اهمیت این پرسش و اشکال پاسخ آنرا انکار نمیکنم و ادعای اینکه بتوانم رویه و نظریه خود را با قوانین کلیه ملل مطالعه و مقایسه نمایم بیجا و بيمورد میدانم زیرا در صورتی این ادعا امکان پذیر است که من از کلیه عوامل مذکور بطور کامل در هرملتی اطلاع داشته باشم در صورتی که چنین اطلاعی ندارم.

بنابراین آنچه بنظر من رسیده از باب مثال بوده و مقصودم بیان اصول کلی و قواعد عمومی است که قانونگذار هر کشوری میتواند آنرا در وضع قوانین راهنمای خود قرار دهد. برخوانندگان لازم است با من موافقت نمایند در اینکه بنای بیان و ادعای من فرض بوده و برای تشریح عقاید و نظریه خود بآن اعتماد نموده ام.

من فرض میکنم که در جوامع بشری دارای سلطه و قدرت زیادی هستم و میتوانم قوانینی برای تأمین منافع و مصالح آنها وضع نمایم.

روی این فرض نخست بهترین قوانین را برای کشور انگلستان وضع میکنم و سپس فتوحات قانونی خود را ادامه داده و در کشورهای دیگر هم آنرا مورد انطباق و اجرا قرار میدهم.

بدیهی است در این مورد من کشور چین را انتخاب نخواهم کرد، زیرا اطلاعات من از وضع آن ناقص است و راهی برای تأسیس و اجراء قواعد خود در آنجا ندارم.

همچنین کشور «کانادا» را نیز انتخاب نخواهم کرد، چه کانادا تابع انگلستان است و اختلاف زیادی با انگلستان ندارد. و خیلی سهل است که قوانین و قواعد خود را در آن کشور نقل نمایم.

برای اینکه گفته نشود فقط در اطراف موضوع دور میزنم و مثال روشنی نمیآورم در این مورد من کشور هندوستان را مورد مثال و توجه قرار میدهم که همه چیز این کشور از اخلاق و آداب و رسوم و فرهنگ با کشور من مغایرت دارد و برای تطبیق عقاید و نظریه خود کشوری بهتر از آن سراغ ندارم که از هر جهت با کشور انگلستان اختلاف داشته باشد. البته اگر موقعی مفید و لازم باشد برای اثبات عقیده خود کشورهای دیگری را هم مورد مقایسه و استناد قرار خواهم داد.

خوانندگان باید توجه داشته باشند که مقصود من از این بحث و بیان امثله، نظر عمومی و بیان اصول و قواعد کلی است، نه ذکر جزئیات و تحقیق در مسائل فرعی و جزئی که نامتناهی است و شرح و بسط آن موجب طول کلام میگردد.

تأثیر زمان و مکان در قوانین

بنابراین راهی که من انتخاب کرده ام هر گاه نیکو و مفید تشخیص داده شود میتوان باسانی آنرا در تطبیق قوانین کلیه ملل مورد مقایسه، و با ملاحظه جمیع عوامل مختلف مؤثر در هر ملتی، مورد استفاده قرار داد.

فصل اول = چگونه میتوان قوانین ملتی را به ملت دیگر انتقال داد؟

نخست فرض میکنیم که در کشور انگلستان قانونی وجود دارد، بعد بحث میکنیم در اینکه چه قواعد و نکاتی در تنقیح آن قانون لازم است تا بتواند متناسب با کشور هندوستان شود و در آن کشور مفید و قابل استفاده گردد.

بطوریکه سابقاً بیان کردیم، موضوع هر قانون خوب و کاملی عبارت است از اجتناب ضرر، و دانستیم که ضرر در واقع عبارت است از حصول رنج یا فقدان لذت. بنابر این اینکه باید دید آیا رنج و خوشی و عبارت دیگر الم و لذت باختلاف ملل و اقوام مختلف و متفاوت خواهند بود؟

بطور تحقیق طبیعت انسان در هر اقلیم و محیطی یکسان و مساوی است و همه افراد بشر در ادراک خیر و شر و سعادت و لذت مشترک بوده و جملگی پیرو اصل کلی جلب منفعت و دفع ضرر هستند.

روی این قاعده میتوان گفت هر قانونی که در یک کشوری و برای ملتی مفید و نافع باشد برای کشورهای و ملت های دیگر نیز مفید و نافع خواهد بود لیکن باید دانست که هر چند گوهر وجود و طبیعت اولی انسان و روح بشریت، کلیه ملل عالم و تمام افرادی که در ربیع مسکون زمین زندگی میکنند خانواده واحدی میداند و اگرچه همه ما در برابر نیروی عظیم الم و لذت تسلیم هستیم عواطف و احساسات و همچنین حواس مدرکه الام و لذات و خوشی ها و ناخوشی های ما یکی است. ولی باوجود این، اسباب و ابزاری که مؤثر در احساس رنج و خوشی و موجد الام و لذات میشوند در واقع مختلف، متفاوت و تغییر پذیر میباشند.

مثلاً چیزی که برای یک ملت یا یک فردی باعث ایجاد خوشی یا ناخوشی میگردد مسلماً همان تأثیر یا مانند آنرا برای ملت دیگر یا فرد دیگری نخواهد داشت. احساس ما تحت تأثیر دو حالت قرار گرفته که همیشه باید آنرا مورد نظر و توجه قرار دهیم:

اول حالت شخصی و اوصاف وجودی خود ما.

دوم - حالت اشیائی که مؤثر در ما و اوصاف وجودی ما میباشد.

سابقاً در فصل مخصوصی کلیه چیزهایی که مؤثر در احساس ما هستند بطور تفصیل بیان شده و دیگر تکرار نمیکنیم، خوانندگان برای اطلاع از آن بان فصل مراجعه نمایند (فصل ۹ از جلد اول) و قانونگذاران در آن فصل کلیه اصول و قواعدی که در تنقیح قوانین برای انطباق آن با زمان و مکان لازم است، مشاهده خواهند کرد.

بطور کلی برای اینکه عمل قانونگذار کامل مضبوط و منظم باشد لازم است

تأثیر زمان و مکان در قوانین

در موقع تدوین و وضع قانون روی نقشه دوستون ترسیم نموده و همواره در برابر چشم خود قرار دهد :

ستون اول مشتمل بر کلیه امور و قوانینی باشد که قانونگذار آنها را مبنای عمل و اساس کار خود قرار داده است ، مانند جرائم ، کیفیات مشدده و مخففه ، علل معافیت از مجازات ، فصول و اصول قانون مدنی و قانون اساسی .

ستون دوم محتوی کلیه احوال و عواملی باشد که در احساسات ملت مؤثر میباشد از قبیل فرهنگ ، تمدن ، محصولات طبیعی ، وضع اقتصادی ، عقاید مذهبی ، وسعت کشور ، تعداد سکنه و مانند اینها و این دو ستون حقیقتاً باید هنگام وضع قوانین در برابر چشم قانونگذار باشد . و هر اندازه هم که قانونگذار مطلع و بصیر از جهات مذکور باشد معذکک نباید بحفاظت خود اعتماد کامل نماید .

چه ممکن است در آن هنگام جهتی از جهات از نظرش دور بماند و دچار فراموشی و نسیان گردد .

پس از انجام این عمل بایستی قانون مورد نظر خود را فصل بفصل مطالعه نموده و تغییرات و تصرفاتی که در آن لازم است تا در کشور دیگری قابل اجرا شود انجام دهد . مقصود من از بیان فوق توضیح فواید این طریقه است که نتایج آن با تطبیق موارد جزئی روشن و معلوم خواهد شد که تا چه اندازه در وضع قوانین و تسهیل عمل قانونگذار مؤثر میباشد .

مثلاً وقتی قانونگذار دوستون مذکور را مورد توجه قرارداد ، کار او در نقل قوانین انگلستان بکشور هندوستان این خواهد بود که تغییرات لازمه را با در نظر گرفتن عوامل مؤثر در مردم هندوستان ، در آن قوانین بعمل آورد و این یکی از فواید بیان علل و موجبات مؤثر در احساس میباشد .

منتسکیو در مورد تطبیق قوانین مختلف با احتیاجات آنها ، تعداد زیادی از آن علل و عوامل را ذکر کرده است منتها بعکس نظر ما آنها را احوال اولیه نامیده و ما آنها را احوال ثانوی نامیده ایم از آن لحاظ که تأثیر آنها بتوسط احوال دیگری است که ما احوال اولیه گفته ایم .

پیش از انتشار کتاب « منتسکیو » وقتی که یکی از دانشمندان اروپا مأمور وضع قوانین برای کشوری میگردد دچار زحمت و اشکال واقع نمیشد و این کار برای او خیلی ساده و آسان بود ، زیرا همین اندازه کافی بود که بنا بختیار و میل خود کتاب انجیل یا قانون رم را مبنای کار خود قرار دهد و از روی آن هر چه میخواهد وضع نماید ، بدون اینکه توجهی بوضع آن کشور یا باخلاق و آداب و رسوم و عقاید اهالی آن داشته باشد .

لیکن پس از انتشار آثار و عقاید وی بر هر قانونگذاری فرض و واجب است که در وضع ، یا تغییر و تبدیل و نقل و انتقال قوانین کمال توجه را داشته و احساسات و عواطف و آداب و رسوم ، اخلاق و مذهب و محیط آن ملت را در نظر گرفته و به بسیاری از عوامل اجتماعی آن مردم آشنائی کامل داشته باشد .